

درس شصت و هشتم – نگاهی به فعل ziehen به همراه پیشوند های آن

written by مرتضی غلام نژاد | اکتبر 26, 2018

در این درس می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به فعل ziehen که می تواند با پیشوند های an, aus, ein, um و be نیز ترکیب شده و معنی و مفهوم تازه ی به فعل بدهد.

قبل از درس می بایستی به این نکته توجه شود که در زبان آلمانی هر کار ، فعل مربوط به خودش را دارد ، مثلا اگر شما بخواهید با پای پیاده به جای بروید باید از gehen استفاده کنید ، حالا اگر بخواهید این بار با یک وسیله نقلیه به جای بروید باید از فعل fahren استفاده کنید و اگر بخواهید با هواپیما بروید باید از fliegen استفاده کنید. که ما در فارسی معمولا برای رفتن از یک فعل استفاده می کنیم . حال میخواهد پای پیاده باشد یا با ماشین یا هواپیما

باز هم همان بحث تفاوت تفکر و نگرش های فارسی زبان ها و آلمانی زبان هاست.

نکته بسیار مهم دیگر این است که در زبان آلمانی هر کاری ، فعل مخصوص به خودش را دارد!!!!

اما نگاهی داشته باشیم به ziehen به همراه پیشوند های آن

ziehen

عازم شدن ، به سمتی رفتن ، محل زندگی خود را تغییر دادن

البته می تواند معانی : کشیدن ، بیرون کشیدن ، برداشتن و ... را نیز بدهد ، اما در این درس تمرکز ما بر معانی عازم شدن یا محل زندگی خود را تغییر دادن است.

beziehen

دریافت کردن ، گرفتن ، با پوششی پوشاندن ، سیم های ساز را کشیدن ، به خانه جدید نقل مکان کردن.

که در اینجا تمرکز ما به روی معنی : به خانه ی جدید نقل مکان کردن است.

einziehen

کشیدن ، رد کردن ، انداختن ، پایین کشیدن ، جمع کردن و از جریان خارج کردن ، دیوار کشیدن ، به خدمت سربازی فرا خوانده شدن ، اسباب کشی کردن به خانه ی دیگر وارد شدن گروه های ارتشی

که در اینجا تمرکز ما به روی معنی : اسباب کشی کردن یا به خانه ی دیگر وارد شدن است

ausziehen

کشویی را بیرون کشیدن ، لباسی را از تن بیرون آوردن ، تیغ زدن ، از کسی پول زیادی بالا کشیدن ، به قصد کار به راه افتادن ، به خانه ی دیگری رفتن ، اسباب کشی کردن ، گزینش نمودن ، انتخاب کردن ، طرحی را کامل کردن

که در اینجا تمرکز ما به روی معنی ، اسباب کشی کردن یا به خانه ی دیگر رفتن است.

umziehen

اگر با sich بیاید و یک فعل انعکاسی بشود آنگاه به معنی لباس خود را عوض کردن ، تعویض لباس کردن است.

اما اگر به تنهایی بیاید به معنی : نقل مکان کردن ، منزل خود را عوض کردن است.

که در اینجا تمرکز ما به روی نقل مکان کردن یا منزل خود را عوض کردن است.

البته ما anziehen و verziehen را نیز داریم.

anziehen

اگر به همراه sich بیاید و یک فعل انعکاسی بسازد آنگاه معانی : بر تن کردن ، لباس جذب کردن ، به خود کشیدن ، جلب کردن ، چیزی را بیشتر کشیدن و آنرا سفت کردن ، به حرکت در آوردن ، چیزی را از محیط اطراف جذب کردن ، میکیدن ، جفت کردن و ...

verziehen

اگر به همراه sich بیاید و یک فعل انعکاسی بسازد آنگاه معانی : جیم شدن ، یواشکی در رفتن ، به چاک زدن ، متفرث شدن ، پراکنده شدن ، تغییر شکل دادن ، کج و کوله شدن

و اگر به تنهایی بیاید به معانی : تغییر شکل دادن ، به ناز پروردن ، بد تربیت کردن ، لوس بار آوردن،

که در اینجا برای دو فعل abziehen و verziehen فقط اشاره ی کوتاه به آن افعال داریم زیرا با دیگر افعال ما در این درس ارتباط چندانی ندارد. و تنها برای آشنا شدن شما با افعال جدید است.

اگر توجه کرده باشید به افعال ziehen, umziehen, beziehen, ausziehen, einziehen می بینید که همه آنها یک معنی تقریبا مشابه ی دارند که آن نقل مکان کردن یا اسباب کشی کردن است.

در واقع چه تفاوت های میان این افعال است؟ و کی و کجا باید از آنها استفاده کنیم ؟ و به زبان ساده تر کاربرد صحیح آنها چیست ؟

همانطور که در ابتدا درس گفتم در زبان آلمانی هر کاری فعل مخصوص به خودش را دارد و در اینجا ما چند فعل با معانی مشابه داشتیم! نگران نباشید در ادامه برای هر کدام از افعال تصویر سازی خواهیم کرد تا درک بهتری از آنها داشته باشید.

ziehen

گاهی وقت ها هست که شما به طور کلی نقل مکان می کنید و محل زندگی خودتان را از یک شهر به شهر دیگر یا از یک کشور به کشور دیگر یا به زبان ساده تر از نقطه A عازم می شوید به سمت نقطه B میروید که در این حالت می بایستی ما از فعل ziehen استفاده کنیم.

مثال :

Ich bin **nach** Berlin **gezogen**

من به سمت برلین نقل مکان کردم (این مثال تاکید بر مقصد دارد)

Wir haben vor, nächstes Jahr in eine andere Wohnung zu ziehen
ما تصمیم داریم سال آینده به یک آپارتمان دیگر نقل مکان کنیم.

که این نقل مکان کردن می تواند از یک شهر به یک شهر دیگر یا از یک منطقه به منطقه دیگر باشد (این مثال تاکید بر مقصد دارد)

در نتیجه هرگاه بخواهیم محل زندگی مان را نیز به کل تغییر دهیم از فعل ziehen استفاده میکنیم.

umziehen

گاهی وقت ها هست که شما وسایل خانه تان را همانند (مبل ها ، لباس ها ، کتاب ها ، ظروف و ... را) از یک آپارتمان به یک آپارتمان دیگر به همراه خودتان می برید ، در این حالت می بایستی از umziehen استفاده کنید.

مثال :

Sie sind in eine größere Wohnung umgezogen
شما به یک آپارتمان بزرگ تر نقل مکان کرده اید.
wir ziehen nächsten Monat um

ما ماه آینده نقل مکان می کنیم.

برداشت از این جمله اینگونه است، که در یک آپارتمان یا یک خانه یا یک اتاق داریم نقل مکان میکنیم به همراه تمام وسایلمان (مبل ، ظروف و ..) پس در این حالت ما همیشه وسایلمان را نیز به همراه داریم.

در نتیجه هرگاه بخواهیم به همراه تمامی وسایل منزل از یک آپارتمان یا یک خانه به یک آپارتمان یا یک خانه ی دیگر نقل مکان کنیم از umziehen استفاده میکنیم.

ausziehen

گاهی وقت ها هست که شما از یک آپارتمان یا خانه یا اتاق که مدت هاست در آنجا بوده اید اسباب کشی میکنید یا نقل مکان میکنید به یک آپارتمان یا خانه یا اتاق دیگر یعنی از افراد یا همسایه ها یا آپارتمان قدیمی تان دور می شوید ، به زبان ساده تر از نقطه A دل می کنید تا به نقطه B بروید.

مثال :

Aus einer Nachbarschaft ausziehen
از یک همسایگی نقل مکان کردن.

برداشت اینگونه است که شما سال هاست در هم جوار ی یا در همسایگی یا در یک مکان یا ساختمان قدیمی بوده اید و اینک به مکانی تازه تر و جدید تر در حال نقل مکان کردن هستید.

شاید در این حالت چیزی مناسب شما نباشد یا اصلا شما را از آن مکان جواب کرده باشند ، مثلا من باید از این آپارتمان اسباب کشی کنم ، چون صاحب خانه من آدم خوبی نیست ، در این حالت باید از ausziehen استفاده کنید.

einziehen

دقیقا نقطه مقابل ausziehen است یعنی کسی از آن آپارتمان رفت و یک فرد جدید دیگر به آن وارد شد. یا اینکه خود من که از آپارتمان قبلی دل کندم حال می خواهم وارد آپارتمان جدید یا مکان تازه تری شوم.

مثال :

Eine neue Mieterin ist in die Wohnung eingezogen

آن مستاجر خانم جدید در آن آپارتمان نقل مکان کرد.

در نتیجه همانطور که من در ausziehen از یک مکان دل میکندم یا مجبور به دل کندن بودم و ناچار بودم از آن همسایه ها و افراد دور شوم ، اینبار در einziehen همه چیز مثبت تر و تازه تر است و می بایستی وارد مکان یا آپارتمان جدید شوم با همسایه ها و افراد جدیدی که در آن محل زندگی میکنند.

beziehen

گاهی وقت ها هست که من یک ساختمان یا یک آپارتمان یا اتاق در جایی خریده ام اما تا این لحظه در آن زندگی نمیکردم ، ولی سر انجام و بعد از مدت ها می خواهم به آنجا نقل مکان کنم و در آنجا نیز زندگی کنم.

مثال :

Eine neue Wohnung beziehen

به یک آپارتمان جدید نقل مکان کردن

در نتیجه من مالک و صاحب مکانی هستم که می خواهم به آن نقل مکان یا اسباب کشی کنم و در آنجا زندگی کنم.

چنانچه شما نیز در ارتباط با این درس سوال یا نظری دارید ، می توانید آنرا در بخش نظرات همین درس درج کنید.

موفق باشید.